

سونامی گرانی را با خود حکومت باید جاو کرد!

هزینه گرانی و تورم را مفتخوران حاکم باید بپردازند!

صفحه ۲



"دستمزدی که بازم فقر را دامن می زند"

پیمان شجیراتی کارگر سابق فولاد اهواز، صفحه ۳

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرسنگیان به تجمعات سراسری

صفحه ۸

موج جدید تورم

بهر روز برزو، صفحه ۵

گرانی نان، کرداب رژیم اسلامی و ضرورت، بمبستگی

یاشار سهندی، صفحه ۶

اهمیت جدال بر سر حقوق ما و دستمزدها

نادر رسولی، صفحه ۷

اعتراضات معلمان برای آزادی همکاران دربند

بازداشت شدگان اول ماه مه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند، صفحه ۱۱

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۲۶

۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

۹ مه ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۸ اردیبهشت: تجمع بازنشستگان

تأمین اجتماعی در چند شهر

صفحه ۹

جبهه اردیبهشت: تحن

سراسری معلمان در میوان

فراخوان تجمع معلمان، خانواده

های معلمان بازداشتی و اولیای

دانش آموزان بوشهر، صفحه ۹

روز ۱۴مه روز جهانی اعتراض برای

نجات احمد رضا جلالی

فراخوان سه نهاد، صفحه ۱۰

برگرفته از مدیای

اجتماعی، صفحه ۱۲



است. مفتخوران حاکم برای حفظ ثروت و موقعیت خودشان سرکوب میکنند و ما برای ادامه زندگیمان چاره ای جز اعتراض و مبارزه نداریم. خیزشی توده ای و کوبنده در راه است. خیزشی که مقامات حکومتی آنرا شورش گرسنگان می نامند و به یکدیگر هشدار میدهند. اعتراض ما شورش کور و خودبخودی نخواهد بود بلکه متشکل و سازمانیافته بمیدان خواهیم آمد. همه ما فعالین، چهره ها و تشکل های کارگری، معلمان و بازنشستگان، دانشجویان، زنان، دادخواهان و سایر جنبشهای اعتراضی هماهنگ خواهیم شد، به خود سازمان خواهیم داد و دست در دست هم به خیابانها خواهیم آمد. خواست و شعار ما روشن است: هزینه گرانی و تورم را مفتخوران حاکم باید بپردازند. ما کارگران و معلمان و بازنشستگان در مبارزات پیگیرمان خواهیم افزایش حداقل دستمزدها به ۱۶ میلیون، بیمه بیکاری، امنیت شغلی و آموزش و بهداشت و درمان رایگان بوده ایم. اکنون به این خواستها باید پرداخت سوبسید برای مواد غذایی و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را نیز افزود. این پرچمی است که جنبش کارگری همگام و متحد با جنبش سراسری معلمان و بازنشستگان میتواند برافرازد و به عنوان صدا و نمایندگی توده مردم بزرگ خط فقر رانده شده و گرسنه و بجان آمده از تورم و گرانی به خیابان بیاید. باید خود را برای اعتصاب سراسری و عمومی آماده کنیم. ما همه مردم بجان آمده، کارگران، معلمان و بازنشستگان، جوانان و دانشجویان، زنان، دادخواهان و همه مردم را فرامیخوانیم که متحد و یکپارچه علیه دزدان و جنایتکاران حاکم به میدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۶ مه ۲۰۲۲

کوچکی از بودجه عظیمی که صرف سپاه و بسیج و زندانها و سایر ارگانهای سرکوب و شبکه مساجد و حوزه های پرورش آخوند و دم و دستگاه صنعت مهلک مذهب و یا صرف کمک به جریانهای

هزینه گرانی و تورم را مفتخوران حاکم باید بپردازند. ماکرگران و معلمان و بازنشستگان در مبارزات پیگیرمان خواهیم افزایش حداقل دستمزدها به ۱۶ میلیون، بیمه بیکاری، امنیت شغلی و آموزش و بهداشت و درمان رایگان بوده ایم. اکنون به این خواستها باید پرداخت سوبسید برای مواد غذایی و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را نیز افزود. این پرچمی است که جنبش کارگری همگام و متحد با جنبش سراسری معلمان و بازنشستگان میتواند برافرازد و به عنوان صدا و نمایندگی توده مردم بزرگ خط فقر رانده شده و گرسنه و بجان آمده از تورم و گرانی به خیابان بیاید. باید خود را برای اعتصاب سراسری و عمومی آماده کنیم.

تروریست اسلامی در منطقه میشود، برای پرداخت سوبسید و پائین نگاه داشتن قیمتها کفایت میکند.

نباید اجازه دهیم بیش از این فقر و گرسنگی و محرومیت را به زندگی ما مردم تحمیل کنند. باید در همه جا به گرانیها اعتراض کنیم. باید فریاد بزنیم. باید گلوی حاکمان و دست اندرکاران حکومت را بفشاریم. معیشت و رفاه حق تک تک مردم است. حکومتی که حداقل معیشت ساده را هم نمیتواند برای مردم تامین کند باید گوش را گم کند. صندوقشان خالی است از حسابهای بانکی شان بزنند. از بودجه زندان و بسیج و پاسدارانشان بزنند. از امپراطوری اقتصادی خامنه ای و بیت رهبری شان پول تامین کنند.

جمهوری اسلامی به سرکوب نیاز دارد و ما مردم به غذا. این جنگی برای بقا

سونامی گرانی را با خود حکومت باید جارو کرد!

هزینه گرانی و تورم را مفتخوران حاکم باید بپردازند!

صرف تامین زندگی مردم گرسنه کرد. حکومت اسلامی و باندهای چپاولگرشان را بدون اینکه جنبش مردمی گلویشان را بفشارد حاضر به دست شستن از اختلاسها و رانتخواریها و حیف و میل ثروتهای عمومی نیستند. میتوان و باید حکومت را مجبور کرد برای مواد غذایی و

تورم و گرانی فزاینده و افسار گسیخته در جامعه بیداد میکند. سونامی گرانی تامین معیشت فقیرانه را نیز برای اکثریت مردم به مشقت تبدیل کرده است. مرکز آمار ایران نرخ تورم را ۴۰ درصد اعلام کرده است اما بطور واقعی رشد قیمتها بویژه در مورد مواد غذایی پایه ای بسیار بیشتر از این است. قیمت آرد صنعتی ده برابر، حبوبات دو برابر و برنج و ماکارونی سه برابر شده و بهای دیگر مواد خوراکی نظیر برنج و شکر و گوشت و میوه جات نیز افزایش سرسام آوری داشته است.

مقامات حکومتی تلاش میکنند تا گرانی ها را به گردن تحریم و جنگ اوکراین و تورم جهانی و غیره بیاندازند اما رشد مداوم قیمتها یک عارضه همیشگی و ساختاری اقتصاد بحران زده جمهوری اسلامی بوده است. پشت این گرانی ها یک سیستم فاسد و ورشکسته و منافع نجومی باندهای مافیائی، " برادران قاچاقچی" و سلاطین برنج و گندم و گوشت و شکر و غیره قرار دارد. مدتهاست سفره مردم از گوشت و میوه خالی شده و اکنون نان خالی نیز در حال حذف شدن از سفره هاست. از یکسو گرسنگی و ناتوانی از تامین قوت لایموت زندگی اکثریت مردم را در چنگال خود میفشارد و از سوی دیگر پول و ثروت رانتخواران و باندهای مافیائی حکومت از پارو بالا میرود.

این وضعیت دیگر قابل تحمل نیست. باید از حلق آیت الله های میلیاردی و مفتخوران دزد حاکم بیرون کشید و

دیگر کالاهای اساسی مورد نیاز مردم سوبسید بپردازد.

میگویند تحریم ها اجازه نمیدهد، خزانه خالی است، دولت بودجه ندارد و توجهاتی از این قبیل. اینها مطلقا جواب مردم نیست. شما مفتخوران و دزدان نجومی خود عامل گرانی و ورشکستگی اقتصاد و گرانی کشنده هستید. تنها بخش

ماهوره یوتلس	ماهوره یوتلس	KANAL کانال جدید
فرکانس، ۱۱۷۶۶	فرکانس، ۱۱۳۸۷	
پولاریزاسیون، عمودی	پولاریزاسیون، عمودی	پخش زنده آنلاین،
سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰	سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰	پخش زنده
اف ای سی، ۷/۸	اف ای سی، ۵/۶	newchannel.tv/live/tv
www.newchannel.tv		تلویزیون کانال جدید
nctv.tamas@gmail.com		فرکانس های در ماهواره های:

«دستمزدی که باز هم فقر را دامن می زند»

پیمان شجیراتی کارگر سابق فولاد اهواز



شمول قانون کار خارج بوده و بنابراین افزایش مزدشان منوط به توافق کارفرما و تبعیت از قوانین استثماری آن مناطق است.

بازنشستگان تاهمین اجتماعی نیز که همه ساله ملاک افزایش حقوق و مستمری هایشان، مصوبه دستمزد نهاد ضد کارگری شورای عالی کار و البته تایید هیات دولت بوده تا این لحظه در بالاترین سطح و نگرانی به سر می برند و صاحبان قدرت و نفوذ در تلاش هستند تا به بهانه وجود تبصره ای در قانون بودجه از افزایش مستمری های کارگران بازنشسته جلوگیری کنند.

در تبصره چهارم از بند دوازده قانون بودجه سال ۱۴۰۱ درباره نحوه افزایش مستمری و حقوق شاغلان و بازنشستگان آمده: کف این افزایش ۵ میلیون تومان است و سقف افزایش ها نباید بیش از ۱۰ درصد حقوق سال قبل باشد.

این تبصره دستاویزی شده تا افزایش حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران تاهمین اجتماعی در هاله ای از ابهام قرار بگیرد.

گفته می شود مجلسی ها اقدام به تصحیح تبصره یاد شده کرده و آن را حذف نموده اند اما این به معنای پایان دغدغه های بازنشستگان نیست چرا که اگر تلاش مافیای ثروت، صنعت و تجارت در تغییر مصوبه دستمزد و پایین آوردن درصد افزایش برای سایر سطوح

مزدی به نتیجه برسد آن وقت این مسئله بر روی سطح حقوق و مستمری بازنشستگان

اکنون شاهدیم که با حذف ارزش ترجیحی و برداشتن سوبسید از برخی اقلام اساسی خانوارها نظیر نان و خوراکی های دیگر، سونامی وحشتناک تورم و گرانی، معیشت کارگران و همه دستمزد بگیران را به مخاطره انداخته است.

در چنین شرایطی که حکومت ناتوان از کنترل موج فزاینده تورم است و به هیچ وجه قادر به توقف آن نیست، حتی افزایش صد درصدی مزد هم نمی تواند همه هزینه های واقعی زندگی را پوشش دهد.

گرانی چنان در حال افزایش است که در واقع چیزی از دستمزدهای فعلی برای کارگر باقی نمی ماند و بسیاری از نیازهای حیاتی همچون آموزش، بهداشت و درمان، تاهمین مسکن مناسب، تفریح و پوشاک کماکان در حد یک رویا برای کارگر باقی می ماند و کارگران همچنان باید شاهد کاهش قدرت خرید خود و خالی ماندن سفره هایشان باشند.

از سوی دیگر ما با جمعیت کثیری از کارگرانی مواجه هستیم که به ناچار مجبور به تن دادن به کار با دستمزدی ناچیز و بدون قرار داد هستند. کارگران کارگاههای زیر زمینی و غیر رسمی و بخش عمده ای از زنان کارگر از جمله این افراد هستند که میزان و مقدار دستمزدشان را نه مصوبه مزد بلکه میل و اراده کارفرما تعیین می کند و از هیچ حق و حقوقی برخوردار نیستند.

علاوه بر این ها، کارگران کارگاههای زیر ده نفر و کارگران شاغل در مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری هم از

بن و شرکت های بازرگانی متعدد که اغلب در استان اصفهان واقع شده اند، در تملک این بنگاه خیریه و زیر مجموعه های آن نظیر خیریه رسول اکرم، جواد الائمه، باقرالعلوم و دهها خیریه وابسته دیگر قرار دارند.

از میان افرادی که در تاسیس موسسات خیریه یاد شده نقش داشته اند می توان به اعضای اتاق بازرگانی، مدیران ارشد فولاد مبارکه اصفهان، اعضای هیات مدیره شرکت توکا نسوز اصفهان، نایب رئیس هیات مدیره معدن چادرملو، اعضای هیات مدیره فولاد سنگان خراسان و اعضای هیات رئیسه بورس کالا اشاره کرد.

پر واضح است که صاحبان چنین سطح گسترده ای از بازار و سرمایه، به هیچ روی افزایش دستمزد کارگران هر چند به میزان اندک را هم بر نمی تابند و به کمک عوامل خود در نهادهای فاسد حکومتی در جهت سرکوب مزدی بیشتر کارگران گام بر می دارند.

اما فارغ از این هیاهو ها و جدال ها آیا مصوبه مزدی سال ۱۴۰۱ می تواند تغییری در معیشت کارگران ایجاد و آن را بهبود بخشد؟ و آیا این میزان افزایش شامل همه کارگران و بازنشستگان کارگری می شود؟

دستگاه تبلیغاتی حکومت وانمود می کند که در اقدامی کم سابقه و با رویکرد بالا بردن قدرت خرید کارگران، امسال افزایش مزدی قابل قبول و مناسبی را در نظر گرفته است.

اگر بر فرض محال در سال جاری نرخ تورم ثابت بماند و اگر همین میزان افزایش اعلام شده مزد، تغییری نکند باز هم شکاف عمیق بین ۷.۵ میلیون تومانی دریافتی یک کارگر تا ۱۶ میلیون تومان خط فقر به هیچ وجه ترمیم نخواهد شد و به عبارتی ساده و روشن همچنان فقر و فلاکت گلوی کارگران را خواهد فشرد و این دستمزد همچنان به فقر طبقه کارگر دامن خواهد زد.

با گذشت یک ماه و نیم از سال جدید و اعلام مصوبه مزدی سال ۱۴۰۱ که برای حداقل بگیران ۴.۵۷ درصد و سایر سطوح مزدی ۳۸ درصد به اضافه مبلغ ثابت ۵۱۵۱۶۶۰ ریال ماهانه افزایش در نظر گرفته است، اما و اگرهایی در مورد آن و شایعاتی مبنی بر احتمال کاهش حداقل دستمزد های اعلام شده به گوش می رسد و هنوز کارگران در هیچ بخشی موفق به دریافت دستمزد بر مبنای مصوبه امسال نشده اند.

کشمکش بر سر نرخ تعیین شده برای دستمزد امسال از همان آغاز با مخالفت های کارفرماها و تهدید آنها به ناگزیری کارفرمایان از اخراج کارگران به دلیل ناتوانی از پرداخت دستمزدها آغاز و با اظهارات وزیر اقتصاد که مصوبه مزدی سال ۱۴۰۱ را ناسازگار با شرایط کلان اقتصادی کشور توصیف کرد علنی شد.

این مخالفت وزیر اقتصاد در جلسه با روسای اتاق های بازرگانی صورت گرفت، نهادی که از طریق نمایندگان کارفرمایی در کمیته تعیین دستمزد همواره نقشی اساسی در پایین نگه داشتن مزد کارگران داشته و اتفاقا قبل از آن که ابراهیم ریسی به مسند ریاست دولت بنشیند در طرحی مفصل به او پیشنهاد توافقی و منطقه ای کردن مزد و رسمیت دادن به کار کودکان از طریق شیوه های شاگرد استادی با مزدی نازل را ارائه داده است.

دیگر مخالف قدرتمند مصوبه مزدی امسال و از موافقان منطقه ای شدن دستمزدها موسسات خیریه هستند. در راس این موسسات، بنگاه خیریه نذر اشتغال اصفهان قرار دارد که از سال ۱۳۹۴ تا کنون از طریق لابی های خود در دولت و مجلس تلاش کرده است تا دستمزد را منطقه ای یا لاقابل توافقی نماید.

این موسسه به ظاهر خیریه مافیایی اقتصادی است که ده ها بنگاه تولیدی بزرگ و کوچک را بطور مستقیم و غیر مستقیم در اختیار دارد. شرکت هایی از قبیل تولید مواد پلیمری، نساجی، تولید

دستمزدی که باز هم فقر را دامن می زند...

از صفحه ۳

سرنوشت آن نیز همچنان مبهم و نامشخص است. تورم کم‌رشد، جنایتکارانه دستمزدهایی ناچیز برای کارگران به تصویب رسانده اند.

در طول عمر ننگین حکومت اسلامی، وضعیت معیشت و رفاه کارگران روز به روز فلاکت بار تر شده و به فقرا رفته و همه ساله بدون توجه به نیازها و مطالبات واقعی و اساسی معیشتی کارگران

بازنشسته از سال گذشته معادل بیست و پنج درصد بابت متناسب سازی از سازمان تامین اجتماعی طلب دارند که هم اثر مستقیم خواهد گذاشت. جدای از این که نحوه و میزان این افزایش چگونه خواهد بود، کارگران

سال	افزایش	نرخ تورم	سال	افزایش	نرخ تورم	سال	افزایش	نرخ تورم
۱۳۵۸	۱۷٪	۱۱/۴	۱۳۷۳	۳۰/۱٪	۳۵/۲	۱۳۸۸	۱۸/۴٪	۱۰/۸
۱۳۵۹	۱۲٪	۲۳/۵	۱۳۷۴	۳۷٪	۴۹/۴	۱۳۸۹	۲۵/۴٪	۱۲/۴
۱۳۶۰	۰٪	۲۲/۸	۱۳۷۵	۲۹/۵٪	۲۳/۲	۱۳۹۰	۱۰/۸٪	۲۱/۵
۱۳۶۱	۰٪	۱۹/۲	۱۳۷۶	۲۲/۸٪	۱۷/۳	۱۳۹۱	۱۲/۴٪	۳۱/۵
۱۳۶۲	۰٪	۱۴/۸	۱۳۷۷	۱۸/۵٪	۱۸/۱	۱۳۹۲	۲۵٪	۳۴/۷
۱۳۶۳	۰٪	۱۰/۴	۱۳۷۸	۱۷/۳٪	۲۰/۱	۱۳۹۳	۲۵٪	۱۵/۴
۱۳۶۴	۱۳/۴٪	۶/۹	۱۳۷۹	۱۸/۱٪	۱۲/۶	۱۳۹۴	۱۷٪	۱۱/۹
۱۳۶۵	۰٪	۲۳/۸	۱۳۸۰	۲۰/۱٪	۱۱/۴	۱۳۹۵	۱۴٪	۹
۱۳۶۶	۵/۴٪	۲۷/۷	۱۳۸۱	۱۲/۴٪	۱۵/۸	۱۳۹۶	۱۴/۵٪	۹/۴
۱۳۶۷	۹/۲٪	۲۸/۹	۱۳۸۲	۱۱/۴٪	۱۵/۶	۱۳۹۷	۱۹/۵٪	۳۱/۲
۱۳۶۸	۰٪	۱۷/۴	۱۳۸۳	۱۵/۸٪	۱۵/۲	۱۳۹۸	۲۱٪	۴۱/۲
۱۳۶۹	۲۰/۵٪	۹	۱۳۸۴	۱۵/۶٪	۱۰/۴	۱۳۹۹	۲۱٪	۳۷
۱۳۷۰	۴۴/۷٪	۲۰/۷	۱۳۸۵	۱۵/۲٪	۱۱/۹	۱۴۰۰	۳۹٪	۴۱
۱۳۷۱	۳۶٪	۲۴/۴	۱۳۸۶	۱۰/۴٪	۱۸/۴	۱۴۰۱	۵۷/۴٪	-
۱۳۷۲	۳۲/۱٪	۲۲/۹	۱۳۸۷	۱۱/۹٪	۲۵/۴	-	-	-

(ستون هایی که به رنگ قرمز هستند سالهایی است که میزان افزایش مزد کمتر از میزان نرخ تورم بوده است)

مردم و مطالبات معیشتی آنها می‌رسد خزانه خالی را بهانه می‌کند. محور دوم خواست افزایش دستمزدی است که بتواند ثبات معیشتی و یک زندگی انسانی را برای مزد بگیران تامین نماید.

بنابراین در قدم اول می‌بایست حکومت را وادار ساخت تا گرانی‌ها را جبران و برای کالاهای اساسی و مورد نیاز یارانه کافی پرداخت کند.

در چند سال گذشته تلاش‌های خوبی از سوی کارگران، بازنشستگان، تشکل

اجتماعی در دفاع از زندگی و معیشت و علیه سونامی گرانی است و گفتمانی که این جنبش را به حرکت در خواهد آورد مسئول دانستن حکومت در قبال زندگی همه مردم است.

بحران و آشفته‌گی اقتصادی که امروز حکومت را با خزانه خالی مواجه ساخته در نتیجه چپاولگری‌های سرمایه داری مافیای حاکم و ناشی از بحران‌های سیاسی نظام است.

نظامی که بودجه نهادهای سرکوب و نهادهای مذهبی و دستگاه تحقیق را بطور چشمگیری افزایش داده اما نوبت که به

میکند بویژه نرخ آن کمتر از واقعیت محاسبه میشود تا بستر تعرض به مزد کارگر فراهم تر شود.

چه باید کرد؟

واقعیت اینست که رشد فزاینده تورم و سونامی گرانی زندگی کارگران و کل جامعه را رو به نابودی میکشد.

مساله امروز گرسنگی و بی‌تامینی مطلق کارگران و کل جامعه است، به همین دلیل این چه باید کرد نیز دو محور دارد.

محور اول برپایی یک جنبش

با توجه به این جدول و بر اساس ماده ۴۱ قانون کار که تعیین حداقل دستمزد را بر مبنای نرخ رشد تورم که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود و در نظر گرفتن هزینه سبد معیشت یک خانوار کارگری می‌داند، کارگران ایران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۴۰۰ در مقایسه با نرخ تورم، دستمزد رقمی معادل ۱۶۱/۶ درصد افزایش دستمزد از دولت طلبکار هستند.

بگذریم که نرخ تورمی که هر ساله از سوی دولت اعلام میشود رابطه ای با نرخ تورم واقعی ندارد و بنا بر کارکرد سیاسی آن برای حکومت و به دلخواه آن تغییر

بهر روز برزو

موج جدید تورم

بعد از گذشت کمتر از یک سال از انتخابات ریاست جمهوری اخیر ایران که نتیجه‌ی آن چیزی جز رسوایی تمام و کمال حاکمیت سیاسی نبود، دولت «مستضعفان» با عزمی راسخ و هارتر از سایر دولت‌های پیش از خود، اقدام به افزایش قیمت کالاهای اساسی و کوچک تر کردن هرچه بیشتر سفره‌ی مردم کرده است. جلاد معروف دهه‌ی شصت و از عوامل اصلی کشتار زندانیان سیاسی در ایران، که از همه‌ی رؤسای جمهور قبلی نظام اسلامی، در موقعیتی نامشروع‌تر قرار گرفته، با زبانی الکن، آزاد سازی قیمت کالاهای اساسی را «لازمه‌ی تحقق عدالت اجتماعی» در کشور مطرح کرده است. این جلاد گوش به فرمان بورژوازی و تمامی وزرا و نمایندگان مجلس، دست در دست هم، در راستای اجرای بودجه‌ی ۱۴۰۱ و در همین ماه‌های ابتدایی سال در حدود ۸۰ درصد از قدرت خرید مردم را کاهش داده‌اند. حذف ارز ترجیحی دارو و فرآورده‌های دامی، حذف یارانه‌ی آرد، افزایش نرخ حامل‌های انرژی از جمله آب، برق و گاز و... به معنای تحمیل میزان شدیدی از تورم است که مستقیماً از جیب فرودستان، کارگران و سایر اقشار جامعه برداشت می‌شود. تقریباً تمامی کالاهای اساسی مورد نیاز مردم یا با افزایش قیمتی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد همراه شده و یا به منظور افزایش قیمت، به شکلی سازمان‌یافته در بازار عرضه نمی‌شود. فقط کافی است که چند ساعتی را در

خیابان‌های ایران قدم بزنید تا آنچه مسئولین کشور با رذالتی بی حد و حصر کتمان می‌کنند را دقیقاً درک کنید. در خیابان مردم از نبود روغن خوراکی و نایاب شدن آن صحبت می‌کنند، از افزایش قیمت دو برابری ماکارونی و نیز احتکار آن توسط یکی از بزرگترین تولید کنندگان این محصول سخن می‌گویند، از افزایش قیمت سرسام آور قیمت محصولات لبنی و گوشت و مرغ حرف می‌زنند. افزایش قیمت حمل و نقل شهری، تورم افسار گسیخته‌ی قیمت مسکن و اجاره‌بهای آن و بی‌شمار مورد دیگر که همه در یک مورد اشتراک دارند، **گرانف**. به عبارتی از دسترس خارج شدن بخش بزرگی از نیازهای اولیه‌ی مردم به واسطه‌ی تورم و دستمزدهای نازل که تنها و آن هم در بهترین شرایط مبلغی بیشتر از یک چهارم خط فقر نمی‌باشد. علاوه بر اینکه زرمه‌هایی از گوشه و کنار راهروهای نهادهای فاسد نظام سیاسی به گوش می‌رسد که جلساتی برای بررسی مجدد نرخ دستمزد با هدف کاهش یا به قول خودشان معقول کردن آن در جریان است، لازم به ذکر است در این شرایط، هنوز و با گذشت نزدیک به دو ماه از سال، هیئت دولت افزایش دستمزد سالیانه بازنشستگان را ابلاغ نکرده است. اخیراً رهبر حکومت در دیداری با به اصطلاح دانشجویان گفته است که «خصوصی سازی نیاز میرم اقتصاد است» این در حالی است که طی سالیان اخیر به واسطه‌ی سیاست‌های بین المللی و اقتصادی حکومت، امواج تورمی، بخش عمده‌ی از مردم ایران را به زیر خط فقر کشانده و عملاً بقای مردم را با خطر جدی مواجه کرده است. طبق پیش‌بینی‌های موجود و با توجه به جنگ روسیه و اوکراین و نیز افزایش قیمت نفت، امسال درآمدهای ارزی حکومت از محل صادرات مواد خام، در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد بود که در مقایسه با چهار سال اخیر ۹۰۰ درصد افزایش یافته است. در حالی که در همین مدت شاخص قیمت غذا در ایران مجموعاً ۱۱۴۰ درصد افزایش و دستمزدها تنها ۴۰۰



درصد افزایش یافته است.

پاسخ سونامی گرانی و بی‌تامینی مطلق در جامعه، اعتراضات سراسری است. دولت درقبال معیشت و زندگی مردم مسئول است. هزینه گرانی‌ها را دولت باید پرداخت کند. به عنوان اقدامی فوری باید به همه کالاهای اساسی سوبسید پرداخت شود. باید درمان و رایگان برای همه مردم رایگان شود. با توجه به گسترش بی‌مسکنی و موج حاشیه نشینی باید تسهیلات لازم جهت تامین مسکن در اختیار کارگران و همه بخش‌های محروم جامعه قرار گیرد. باید برق، گاز، آب رایگان شود. کارگران می‌گویند اگر خط فقر ۱۶ میلیون است باید دستمزدها به بالای این رقم افزایش یابد.

واقعیت اینست که حاکمیت جمهوری اسلامی به هیچ وجه در راستای تغییر وضعیت و بهبود شرایط معیشتی مردم قدمی بر نخواهد داشت. اقتصادش

به ورشکستگی کشیده شده است. خزانه کشور و همه داراییهای جامعه را بالا کشیده‌اند. ضمن اینکه حقوقهای نجومی بر جای خود استوار است و نیروی سرکوب و خرافه‌بیشتری بودجه را بخود اختصاص داده است. در برابر موج اعتراض مردم در مقابل سونامی گرانی و فقر و فلاکت حاکم این حکومت با تمام توان کلیه اقداماتی را که جهت بقای خود و اقلیتی مفت‌خور و سرمایه‌دار لازم است، به ضرر اکثریت مردم به پیش خواهد برد. به عبارتی تنها راه تداوم این وضع را در گسترش بحران و تحمیل فقر بیشتر به جامعه می‌بیند و از هر ابزاری از جمله سرکوب عریان پلیسی تا ایجاد سونامی گرانی و تورم، برای به سرانجام رساندن هدف خود استفاده می‌کند. واضح است که در این موقعیت هیچ گزینه‌ای جز سرنگونی جمهوری اسلامی و تلاش برای تدارک انقلابی اجتماعی، وجود نخواهد داشت.

«دستمزدی که باز هم فقرا...»

از صفحه ۴

دفاع از معیشت انسانی بدل ساخت. حکومت همه توان خود را بکار گرفته و عزم خود را برای هر چه بیشتر فقیر ساختن کارگران جزم کرده است اما بیش از این نباید اجازه داد تا زندگی و بقای ما مورد تعرض همه جانبه حکومت مافیایی و دزد سالار اسلامی قرار گیرد.

موضوع افزایش دستمزد نکته اتکایی است که می‌تواند و باید بتواند کارگران، معلمان، بازنشستگان و پرستاران را حول آن متحد و یکپارچه ساخت و توازن قوا در مبارزه را به نفع دستمزد بگیران تغییر داد. پیمان شجریانی - اردیبهشت ۱۴۰۱

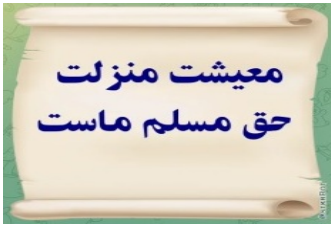
های مستقل و جمع‌های کارگری برای برافراشته کردن پرچم مطالبه افزایش دستمزد به عنوان یک مطالبه واقعی صورت گرفته است.

امسال نیز افزایش دستمزد به بالای شانزده میلیون تومان مطالبه‌ای بود که اکثر قریب به اتفاق کارگران، فعالان و تشکل‌های کارگری بر آن تأکید گذاشتند.

این مطالبات مهم را باید به یک گفتمان اساسی و جاری در عرصه مبارزه برای بهبود معیشت در جنبش کارگری درآورده و آن را در میان مراکز کاری و کارگری فراگیر و به جنبشی گسترده برای

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



هستند و این افراد نان را به قیمت دولتی می‌خرند و مصرف‌ناشان هم از ایرانی‌ها بیشتر است. یعنی ایشان چشم دیدن نان خالی خوردن کارگران افغانستانی را هم ندارند. ایشان در ادامه از "اجماع کارشناسان و دلسوزان" برای تغییر این رویه سخن گفته است. یعنی هر چه بیشتر اجماع برای به فلاکت کشاندن مردم.

در این میان ارگان سرکوبگری ای مانند "بسیج دانشجویی" از عقوبت کار هشدار داده و البته اطمینان داده تا آخرش پای کار هستند. سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی هم خطاب به رئیسی نوشته: "اینکه دولت و رسانه ملی دست به دست همدیگر بدهند و درصدد برآیند گرانی آرد و کمبود ماکارونی و نایاب شدن روغن را به گردن قاچاق شدن این کالاها بیندازند، راه فرار مناسبی نیست. مردم، این قبیل ترفندها را نمی‌پذیرند. فراقکنی و تمام کاسه‌کوزه‌ها را بر سر قبلی‌ها شکاندن هم بعد از ۸ ماه استقرار کامل دولت و حاکمیت یکدست، دیگر جواب نمی‌دهد" و پرسیده: "اگر مشکل آرد را جنگ اوکراین به وجود آورده، چرا تجاوز روسیه به اوکراین را با صراحت محکوم نمی‌کنید... چرا برای به نتیجه رسیدن مذاکرات برجای کار مؤثری انجام نمی‌دهید؟" و یادآور شده: "حالا که روشن شده شما نمی‌توانید از عهده حل مشکلات برآئید، شجاعانه کنار بروید و کار را به افراد کاردان بسپارید تا مردم و کشور (بخوانید رژیم اسلامی سرمایه) را از این گرداب خطرناک نجات بدهند."

حقیقت این است همه افراد کاردان سرمایه در هر لباس و فرمی نهایتاً نسخه ای که برای مردم خواهند پیچید "ریاضت کشی اقتصادی" برای کاهش سطح معیشت است. چرا که تضمین وجود کارگر ارزان (و صد البته خاموش) مهمترین زیرساخت نظام سرمایه داری است.

اما دولت رئیسی قاتل از اول هم توان

زندگی خود را به خطر می‌اندازند نمی‌توانند مرزهای قاچاق را در هم بریزند، بلکه این "برادران قاچاقچی" هستند که با کنترل راهها و بنادر و فرودگاهها این چنین مسیر قاچاق را گسترش داده‌اند.

چند کلامی از یک راننده شده از حکومت، احمد زیدآبادی را نیز یادآور میشویم که برای ایشان هم حفظ نظام از واجب واجبات است.

ایشان نوشته‌اند: "آقای رئیسی! متوجه اوضاع هستی؟ جامعه ایرانی تاب افزایش قیمت‌ها را از دست داده است. اما گرانی هم به نظر من امری محتوم است!" (چه صدقاتی!) اما گویا توقع مردم زیاد است؛ ایشان تاکید کردند: "اگر تیزبین‌ترین و کارآمدترین اقتصاددانان تاریخ یکجا جمع شوند... نسخه تجویزی آنها... فقط می‌تواند روند افزایش قیمت‌ها را آهسته‌تر کند نه اینکه آن را متوقف سازد. مردم اما... کاهش و یا ثبات اصل قیمت‌ها را خواستارند و این با هیچ ابزاری ممکن نیست." و سر آخر بعد از اینکه توصیه‌های خود را، مانند امضای برجام را به رئیسی یادآور شدند به رئیسی هشدار دارند مواظب باشد کسانی قصد فریب او را دارند و یا نقشه‌ای برای شکست دولت کشیده‌اند!

از سوی دیگر، "جوان"، روزنامه سپاه پاسداران گله کرده مردم زیاد نان می‌خورند!

در سرمقاله این روزنامه می‌خوانیم: "سراهنه مصرف ماهانه افراد باید حدود ۷ تا ۷۵ کیلو آرد باشد، به هر فرد ایرانی حدود ۱۴ کیلو آرد دولتی اختصاص می‌یابد..." بر فرض صحت این آمار، این موجودات وقیح نمی‌گویند تنها کالایی که برای مردم به رسمیت می‌شناسند همین نان است و همه کالاها از اساسی تا غیر اساسی را به کالای لوکس برای مردم تبدیل کرده‌اند و روز به روز بیشتر از دسترس مردم خارج میشود.

از چنین موجوداتی باید انتظار نظرات فاشیستی هم داشت. نویسنده سرمقاله که "سردار سنایی راد" نامی است که گویا "چهره مورد اعتماد بیت رهبری" هم هست، مدعی شده "مهاجران افغان" تعدادشان زیاد است و نان خور هستند! این فاشیست اسلامی به دروغ مدعی است ۱۰ میلیون افغانستانی در ایران ساکن

گرانی نان، گرداب رژیم اسلامی و ضرورت، مبارزگی

یاشار سهندی

با افزایش شبانه پنج برابری نرخ آرد، گام بزرگ دیگری از هجوم به سطح معیشت توده مردم به اجرا درآمد.

در پی آن موجی از تناقض‌گویی حکومتیان براه افتاده است و هر "مسئولی" برای خودش یک چیزی می‌گوید! و این روش روتین حکومت اسلامی است. اما حالا بهانه‌ای برای دیگرانی که دست‌شان از حکومت کوتاه شده بدست داده است تا موضوع را به ناکارآمدی و متخصص نبودن کارگزاران اسلامی سرمایه ربط دهند. روش‌های کثیف آخوندی‌ای که خیلی خوب با ساز و کار سرمایه داری جفت و جور است و این روزها کارکردش بار دیگر به نمایش گذاشته است، روشی که اما به ضد خود تبدیل شده است.

رئیس اتحادیه نان‌های فانتزی از ۹/۵ برابر شدن قیمت آرد نانویان فانتزی خبر داد و بلافاصله هم تاکید کرده که از امروز نانویان سنتی که یک کیسه آرد را به نرخ ۳۸ هزار تومان دریافت میکند، حالا که قیمت همان کیسه آرد برای نان فانتزی ۶۴۰ هزار تومان شده معلوم است که نانویان سنتی آرد را برای نانویان سنتی قاچاق خواهند کرد، و این موجب فساد است! و به خوبی روشن است این گونه حرفها زمینه دیگری است برای اینکه نان سنتی (لواش، سنگک، بربری، تافتون) را نیز گران کنند. البته سخنگوی دولت رئیسی قول داده تا آخر سال ۱۴۰۱ قیمت نان سنتی افزایش نخواهد یافت! آش آنقدر شور است که اصلاً زیاد لازم نیست ما چیزی بگوییم؛ یکی از سایت‌های حکومتی نوشته: دروغ‌کن‌تور ندارد!

بار دیگر صحبت از "منطق اقتصادی" حرف به میان کشیده شده و معلوم شده اقتصاد کارمند دولت نیست که دستور رئیس را اجرا کند! اشاره به دستور سه هفته پیش یکی از "مسئولان نظام" که فرموده بودند قیمت‌ها به سال قبل برگردد و گر نه چنین و چنان! و همان جناب با یک دستور کتبی به چند برابر شدن قیمت ماکارونی رسمیت بخشیده‌اند. فقط معلوم نیست این اقتصادی که کارمند دولت نیست و

منطق خودش را دارد چرا قیمت‌ها همیشه به دستور افزایش می‌یابد اما به دستور کاهش نمی‌یابد؟

روزنامه حکومتی "دنیای اقتصاد" داستان گرانی را رومانیک کرده و تیتروزد "جدایی ماکارونی از دلار ۴۲۰۰ تومانی" (!) این روزنامه در یادداشت دیگری تحت عنوان "درس سیاست گذاری از «تحریف قیمتی»" که سعی کرده یک چیزهای را ماستمالی کند، یاد آور شده:

"«دنیای اقتصاد» پیش از این در گزارش «تحریف بزرگ در اقتصاد ایران» در ۲۳ بهمن سال گذشته به استناد نظر کارشناسانی مانند پروفسور هاشم پسران و دکتر موسی غنی‌نژاد، مهم‌ترین مشکل اقتصاد ایران را تحریف قیمت‌های نسبی عنوان کرد. ... با فرمول «قیمت‌گذاری» یا «اعمال یارانه‌ها» باعث شده است که هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان دچار سوءبرداشت شوند. (چقدر بد!) در این شرایط هم رفاه خانوار تخریب شده و هم جریان سرمایه‌گذاری در تولید به سمت سوداگری در دارایی‌ها منحرف شده است. (و در ادامه شاهکار علم اقتصاد سرمایه داری به زبان آخوندی را شاهد هستیم) در شرایطی که قیمت‌های نسبی با تحریف روبه‌رو می‌شوند، میزان مصرف خانوارها از کالاهای مفید و ضروری کاهش می‌یابد. اما مصرف کالاهای غیرمفید در سبد خانوار رشد می‌کند. (خوب دقت کردید! چون قیمت‌ها تحریف شده مردم هوایی میشوند و پادشان میرود کالاهای مفید، مفید هستند!) همچنین اختلال در قیمت‌های نسبی، تخریب منابع و سوداگری را نسبت به سرمایه‌گذاری مولد توجیه‌پذیر می‌کند. ... کالاهای اساسی به شکل قابل‌توجهی از مرزها خارج شده و پولی که می‌تواند بر سفره ایرانی بنشیند، بر سفره اغیار می‌رود. (بقول معروف "مشمول ذمه" هستید اگر فکر کنید سفره ایرانی منظور رفاه مردم است.) بنابر برخی از گزارش‌ها، برد قاچاق کالاهای اساسی در کشور به ۲ هزار کیلومتر خارج از مرزهای کشور رسیده است. (بی‌شک کولبران و سوخت بران که برای لقمه

نادر رسولی

اهمیت جدال بر سر حقوق باود دستمزد

دستمزد زیر خط فقر ممنوع!

چند رغاز مزد تعیین شده توسط شورایی عالی کار از سوی کارفرمایان و پیمانکاران دزد و چپاولگر یک موضوع مهم جدال در جامعه است.

کل این وضعیت گویای اینست که امروز مساله معیشت و زندگی به مساله کل جامعه تبدیل شده است. دستمزد چند بار زیر خط فقر که با گرانیهای فزاینده مدام بیشتر و بیشتر آب می‌رود برای کارگران و بازنشستگان و کارکنان دولتی و غیر دولتی، مساله مرگ و زندگی است. به این دلیل یک جنبش فراگیر بر سر آن دارد شکل می‌گیرد. این جنبشی است که کل ارکان اقتصادی و سیاسی حاکمیت را به نبرد می‌طلبد. موضوع دستمزد گوشه ای از این جدال سراسری در سطح جامعه است. و خلاصه کلام اینکه جنگ بر سر معاش دارد به جنگ بر سر تعیین تکلیف با بساط مافیایی سرمایه داری حاکم کشیده می‌شود. و موضوع این جنگ پایان دادن به توحش و بردگی سرمایه داری و داشتن جامعه ای بری از ستم و استثمار است. جامعه ای که در آن نه فقر و نه حقوق های نجومی نباشد. جامعه ای که در آن رفاه و شادی از زندگی حرف اول را بزند.

ضمن اینکه در مورد بازنشستگان کارگری که متاثر از مصوبات شورای مزد است دولت عامدانه سکوت کرده و مایل است که زیرش بزند.

در خصوص بازنشستگان روند کار بر این مناسه است که سازمان تامین اجتماعی با توجه به مصوبات شورای مزد عین همان افزایش ها را تعیین و به هیئت وزرای دولت ارایه میدهد تا اجرایی شود. سازمان تامین اجتماعی اینکار را انجام داده و از ۷ اردیبهشت یعنی ده روز قبل به هیئت دولت ارجاع داده است. اما دولت هنوز امضا نکرده است.

صحت‌هایی نیز هست که ممکن است افزایش حقوق بازنشستگان را اعلام کنند، چون تجمعات بازنشستگان در جریان است و برای جلوگیری از ادامه تجمعات احتمال دارد این کار را انجام دهند. بخش دیگر مستخدمین دولت هستند که روندی متفاوت دارد و دولت امسال افزایش حقیرانه ده درصدی را برای آنها اعلام کرد!

این چنین است که مساله مزد نه فقط بخاطر چند بار زیر خط فقر بودن میزان دستمزدها و سونامی گرانی که زندگی و معیشت مردم را دارد به نابودی میکشد، بلکه بخاطر زیر سوال بودن پرداخت همین

می‌شود، تعیین هزینه سبد معیشت بعنوان «حداقل دستمزد» است که همواره با نرخ سبد معیشتی که نهادهای مستقل کارگری اعلام میکنند، فاصله بسیاری دارد. اما همین هم در سالهای قبل انجام نمی‌شد و دو سه سال اخیر است که تعیین میزان رسمی و دولتی سبد معیشتی تحت فشار کارگران تحمیل شده است.

امسال کمیته مزد هزینه سبد معیشت را ۹ میلیون تومان اعلام کردند اما شکل‌های مستقل کارگر آنرا ۱۶ میلیون اعلام کردند.

همین ۹ میلیون را هم خودشان برسمیت نمی‌شناسند. امسال افزایش دستمزد برای حداقل بگیران ۵۷/۴٪ تعیین شد که حدود ۵ میلیون تومان با مقداری مزایای اندک جانبی برای حداقل بگیران در نظر گرفته شده است و برای سایر سطوح مزدی (بالتر از حداقل بگیران) ۳۸٪ + عدد ثابت ۵۱۵ هزار تومان تعیین شده است. و این مصوبه شورای عالی مزد برای سال ۱۴۰۱ است.

کارخانجات و موسسات تولیدی مشمول قانون کار رسماً مکلف به رعایت این مصوبه هستند. اما رسماً هم در این مملکت معنای خودش را دارد. برای فروردین یعنی ماه شروع سال تعدادی از کارخانجات بزرگ آنرا اعمال کردند. اما در عمل شرکتهای بسیار زیادی بعنوان پیمانکارهای واسطه در همه دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی وجود دارند که زیر بار این مقدار درصدهای افزایشی نمی‌روند و دولت هم به آنها کاری ندارد و خودش هم در این وضعیت سهمیم است. مخصوصاً شرکتهای پیمانکاری در پروژه های صنعت نفت و پتروشیمی هنوز این مصوبه را اعمال نکرده اند و این موضوع باعث اعتراضات و اعتصابات متعدد کارگری در این بخش ها شده است. و زمره هایی هست که گویا دولت و اداره کار از این درصد ها بنفع کارفرمایان و با ترفند کمک به تولید، عقب نشینی کنند. که البته برایشان کار راحتی نخواهد بود و فشار جنبش کارگری روی آنها زیاد است و بعید به نظر میرسد که موفق شوند.

طرح افزایش حقوق مستخدمین دولت (کارمندان رسمی وزارتخانه ها و موسسات وابسته)، شامل شاغلین و بازنشستگان در حدود آذرماه هر سال همراه با ارائه بودجه سالیانه از طرف سازمان برنامه و بودجه بدون هیچگونه دخالتگری و چانه زنی خود مزدبگیران، به مجلس می‌رود. یعنی هیچ پروسه ای برای دخالتگری ای از سوی این کارگران در تعیین مبلغ اضافه مزدشان وجود ندارد و کاملاً یکجانبه صورت می‌گیرد. در نتیجه مداخله گری آن ها عمدتاً پافشاری در اجرای قوانین موجود مخصوصاً «قانون مدیریت خدمات کشوری» (و موضوع رتبه بندی و همسان سازی است که بصورت مطالبه در تجمعات آنان مخصوصاً معلمان تبلور می یابد. میزان افزایش حقوق نیز برای همه کارکنان از طرف دولت و از بالا صورت می‌گیرد. بخش دیگر و اکثریت مزدبگیران که به بخش کارگری معروف است مشمولین قانون کار هستند که مشمول مواد قانون کار و مقررات سازمان تامین اجتماعی میشوند.

در مورد افزایش حقوق کارگری بهرحال مکانیزم تعریف شده ای وجود دارد که در ذیل «کمیته مزد شورای عالی کار» تشکیل میشود بنام گروه به اصطلاح سه جانبه گرایی. این گروه متشکل از نمایندگان کارفرمایان و دولت و نمایندگان کارگری (نمایندگان مجاز و دولتی) است که هر ساله بدون اعمال اراده نمایندگان منتخب و مستقل کارگری می نشینند و از بالای سر کارگر بر سر نرخ نیروی کار وی تصمیم گیری میکنند. اگر چه فشار جنبش کارگری بحدی است که همین نمایندگان رسمی و مجاز نیز، خود را زیر فشار کارگران می بینند و تحت فشار بدنه مجبور به اتخاذ موضع می‌شوند.

در کمیته مزد از آذر ماه تا پایان اسفند هر سال جلساتی برای به اصطلاح چانه زنی بر سر مزد تشکیل می‌شود و اخبارش کامیابش به بیرون درز میکند و مصاحبه هایی انجام میشود

مهمترین تصمیمات در این کمیته که طبق تبصره ۱ و ۲ ماده ۴۱ قانون کار انجام

کرانی نان، گرداب رژیم اسلامی و...

از صفحه ۶

میشود، حکومت اسلامی به نقض غرض برای بورژوازی تبدیل شده و می‌رود که همراه با خود، سرمایه داری در ایران را نیز به ته گرداب بکشاند.

این تهدید واقعی علیه سرمایه تنها در صورتی عملی میگردد که جنبش های اعتراضی کارگران، معلمان، بازنشسته گان، زنان و دانشجویی، دادخواهی و ... بهم پیوسته گردند. قدم اول در اول مه برداشته شد، و با وجود احتمال شکل گیری اعتراضات وسیع توده ای در کل کشور بخاطر گرانی های اخیر و بخصوص نان، این امر مبرم تر و مهمتر از هر زمانی گردیده است.

اینکه این زیر ساخت را تضمین کند نداشت. و نه تنها این دولت، بلکه کل حکومتی که بر یک اقتصاد مافیایی چپاولگر متکی است، که وظیفه ذاتی اش سرکوب مردم معترض است به بن بست کامل رسیده و در وظیفه ذاتی خود شکست خورده و جریان معکوس گردیده است.

مردم معترض بسیار رادیکالتر دوباره پا به میدان گذاشته اند و این آن گردابی است که رژیم اسلامی سرمایه در آن گرفتار شده است. با وجود جنبش اعتراضی که روز به روز قوی تر میگردد و با مطالباتی که طلب میکند که در شعار "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" خلاصه

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به نخستین ازبانه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در فراخوان تجمعات سراسری

به تجمع سراسری برای روز ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱

از آن ندارد که گویا اراده ای به عمد می خواهد وضعیت، این چنین بماند؟! آیا محصول این اراده بنیان سوز، اقدام ویرانگر علیه امنیت ملی است یا عدالت خواهی بنیادساز معلمان؟

بنابراین، شورای هماهنگی، ضمن پای فشردن موکد بر استیفای مطالبات معیشتی و آموزشی فرهنگیان و دانش آموزان، بازداشت ها و احضارهای فله ای و غیرقانونی معلمان در دو هفته اخیر و برخورد هنجارشکنانه و بعضا توام با ضرب و شتم آنها را شدیداً محکوم و اعلام می نماید که در صورت آزاد نشدن معلمان بازداشتی طی روزهای آتی، در اعتراض به این رفتار انحصارجویانه و ضد مردم سالاری، تجمع خود را این بار در سراسر کشور در روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت با محوریت ویژه حمایت از معلمان بازداشتی و زندانی و همچنان عدم اجرای رتبه بندی و همسان سازی حقوق بازنشستگان و پولی سازی آموزش برگزار می نماید.

طبیعتاً، سران سه قوه، مسئول حفظ جان معلمان زندانی - به ویژه آقایان اسماعیل عبدی، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه که در اعتصاب غذا به سر می برند و دیگرانی که به منظور حمایت به این عزیزان پیوسته اند، خواهند بود.

زمان و مکان تجمع: ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ تهران، مقابل: مجلس مراکز استان ها: مقابل ادارات کل شهرستان ها مقابل: ادارات آموزش و پرورش شهرستان.

سال های بسیار ی است که آموزش رایگان و معیشت عادلانه معلمان به گروگان تدابیر و تصمیماتی گرفته شده که دستاوردی جز «تبعیض، بی عدالتی، فقر، آموزش ناکارآمد، تربیت فشل و تولید افسردگی و ناهنجاری» نداشته است.

چگونه است که در مرامنامه ی مدیریت شما، اجتماع برای دفاع از حقوق غیر ایرانیان روا، جایز و حتی تکلیف به شمار می آید اما وقتی نوبت به دفاع از حقوق فرهنگیان و دانش آموزان ایران زمین می رسد، این حق مدنی و قانونی، در قالب جعلی و ابزار «اخلال در نظم عمومی، تشویش اذهان، تبلیغ و تبانی علیه نظام و ضدیت با امنیت ملی» تعریف میشود؟

تاسف برانگیزتر این که وزیر آموزش و پرورش در چنین شرایطی، به جای اهتمام به دفاع شرافتمندانه از مجموعه ی سازمانی خود، در کنار قانون شکنان می ایستد تا شاید سهم بیشتری از سفره قدرت نصیب او گردد.

اگر نمایندگان مجلس، براین عملکرد ضد معلمی و منفعت جویانه ی وزیر، چشم ببوشند، نباید پرسید که آیا نماینده ملت هستید یا خدمتگزار قدرت؟

در حالی که تمام تجمعات اعتراضی معلمان در چارچوب اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی و در جهت ارتقای کیفی و عادلانه سازی آموزش و ترمیم معیشت فرهنگیان و در فضایی لبریز از خشونت پرهیزی صورت گرفته است بی اعتنایی محض حاکمیت به آنها و تداوم تصمیمات ناعادلانه و ضد آموزش، نشان

جهانی کارگر، به دو روز اعتراضی در هجدهم اردیبهشت به تحصن و در نوزدهم اردیبهشت به تجمع فراخوان داده بودند.

بدین ترتیب معلمان قاطعانه ایستاده و از خواستها و کرامت خود دفاع میکنند. جنبش معلمان یک سنگر مهم اعتراضات مردمی است. خواستهای آنها، خواستهای کل جامعه است. حزب کمونیست کارگری بار دیگر حمایت قاطع خود را از خواستها و مبارزات معلمان اعلام میکند.

اسامی معلمانی که طی روزهای ده و یازده اردیبهشت و در مناسبت روز جهانی کارگر بازداشت و هنوز در زندانند عبارتند از: رسول بدائی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی و علی اکبر باغانی از تهران، محسن عمرانی، محمود ملاکی، رضا امانی فر و اصغر حاجب از بوشهر، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه از مریوان، هادی صادق زاده از مشهد، لطیف روزیخواه از جلفا. علاوه بر معلمان، عثمان اسماعیلی چهره شناخته شده کارگری از بازداشت شدگان اول مه هنوز در زندان است.

بعلاوه جان اسماعیل عبدی که در اعتراض به سرکوبگری های حکومت از اول ماه مه در اعتصاب غذا بسر میبرد در خطر است و حکومت به نشانه تنبیه تماسهای تلفنی وی را قطع کرده است. حزب بر آزادی فوری معلمان زندانی و همه بازداشت شدگان روز جهانی کارگر تاکید میکند. جان اسماعیل عبدی در خطر است و او باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شود.

هم اکنون کارزاری جهانی در حمایت از معلمان و مبارزاتشان در جریان است. وسیعاً به آن بپیوندید. دستگیر شدگان اول مه و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. با قدرت مبارزات سراسری خود تمامی زندانیان سیاسی را آزاد میکنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۷ مه ۲۰۲۲

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در اعتراض به ادامه بازداشت دستگیر شدگان اول ماه مه و تشدید سرکوبگری ها و سخنان تهدید آمیز یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش که معلمان معترض را به اخراج تهدید کرده، و کلاً بخاطر عدم پاسخگویی به خواستههایشان، برای ساعت ده صبح ساعت ده صبح روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت به تجمعات سراسری فراخوان داده است. این تجمعات قرار است در تهران روبروی مجلس اسلامی و در مراکز استانها و شهرستانها روبروی مراکز آموزش و پرورش برگزار شود. در بخشی از فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان چنین آمده است: "شورای هماهنگی، ضمن پای فشردن موکد بر استیفای مطالبات معیشتی و آموزشی فرهنگیان و دانش آموزان، بازداشت ها و احضارهای فله ای و غیرقانونی معلمان در دو هفته اخیر و برخورد هنجارشکنانه و بعضا توام با ضرب و شتم آنها را شدیداً محکوم و اعلام می نماید که در صورت آزاد نشدن معلمان بازداشتی طی روزهای آتی، در اعتراض به این رفتار انحصارجویانه و ضد مردم سالاری، تجمع خود را این بار در سراسر کشور در روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت با محوریت ویژه حمایت از معلمان بازداشتی و زندانی و همچنان عدم اجرای رتبه بندی و همسان سازی حقوق بازنشستگان و پولی سازی آموزش برگزار می نماید.

طبیعتاً، سران سه قوه، مسئول حفظ جان معلمان زندانی - به ویژه آقایان اسماعیل عبدی، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه که در اعتصاب غذا به سر می برند و دیگرانی که به منظور حمایت به این عزیزان پیوسته اند، خواهند بود."

قبلاً نیز انجمن صنفی معلمان کردستان- مریوان در همین رابطه و در حمایت از دو همکار خود اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه از بازداشت شدگان روز



۱۸ اردیبهشت: تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در خندشهر



دولت به صندوق بازنشستگی و برگرداندن پولهای به سرقت رفته به این صندوق، و آزادی اسماعیل گرمی و دیگر زندانیان سیاسی از جمله خواستهای اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی در قطعنامه هایشان است. بازنشستگان در کنار معلمان فراخوان دهنده تجمعات روز جهانی کارگر بودند. از خواستها و اعتراض بازنشستگان باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۸ مه ۲۰۲۲

درصد متناسب سازی به بازنشستگانی که به آنها تعلق می‌گیرد، تا آخر ماه واریز می‌شود. اما بازنشستگان به این وعده ها باور نداشته و با شعار فقط کف خیابان بدست میاد حقمون پیگیر مطالباتشان هستند.

اعتراض بازنشستگان به سونامی گرانی و وخامت هر روز بیشتر وضع زندگی و معیشتشان است و این موضوع اعتراض همه کارگران و مردم محروم است. تعیین مزد بر مبنای هزینه های واقعی زندگی و متناسب با هزینه واقعی سبد معیشت خانوار و افزایش آن طبق تورم واقعی، بیمه درمانی کارآمد و رایگان، پرداخت دیون

روز یکشنبه ۱۸ اردیبهشت بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراض خود و در اعتراض به سونامی گرانی و بی پاسخ ماندن مطالبات خود، در چند شهر از جمله در رشت، تبریز، اردبیل، اهواز، کرمانشاه، مشهد و اراک تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان با شعارهایی چون "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت" و "بازنشسته داد بزن حق تو را فریاد بزن"، صدای اعتراض خود را بلند کردند. یک موضوع اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی عدم افزایش حقوقهایشان حتی بر اساس مصوبه خود دولت است. ماجرا از این قرار است که سازمان تامین اجتماعی هر ساله با توجه به مصوبه شورای مزد، عین همان افزایش ها را تعیین و به هیئت وزرای دولت ارائه میدهد تا اجرایی شود. امسال از هفتم اردیبهشت درخواست اجرای این مصوبه از سوی سازمان تامین اجتماعی به هیئت دولت ارجاع شده است. اما دولت هنوز امضا



مسئولان امنیتی و قضایی به خواسته منطقی تجمع کنندگان، در روزهای آتی در مقابل ساختمان استانداری و دادگستری استان اعتراضات ادامه خواهد داشت. در پایان اعلام می‌گردد مسئولیت عواقب هر نوع اتفاق ناخوشایند، متوجه مسوولانی خواهد بود که با خیره سری و لجبخت و بی توجهی، زمینه این اعتراضات را فراهم می‌آوردند. این تجمع در برابر اداره کل آموزش و پرورش برگزار خواهد شد.

بدین ترتیب معلمان و خانواده ها در اعتراض به دستگیریها و سرکوبگری های

۱۸ اردیبهشت: تحصن سراسری معلمان در مریوان فراخوان تجمع معلمان، خانواده های معلمان بازداستی و اولیای دانش آموزان بوشهر

اذهان عمومی به ویژه فرهنگیان عزیز و شریف گردید. با پیگیری های انجام گرفته، ۷ نفر از این عزیزان بازداشت شده، آزاد گردیدند اما متأسفانه چهار تن از این عزیزان، علیرغم پیگیری فراوان از سوی تعدادی از همکاران و خانواده های آنان و وعده های واهی مسئولان امنیتی و قضایی استان مبنی بر آزادی ایشان، کماکان در زندان بسر می‌برند. این در حالی است که متأسفانه عزیزان زندانی و دربند دچار کرونا می‌گردند و سلامتی ایشان به شدت در خطر است.

در ادامه این فراخوان چنین آمده است: "در اعتراض به این رفتار ظالمانه مسئولان امر، از ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۴۰۱/۲/۱۹ تا عصر همان روز، در محوطه داخلی اداره کل آموزش و پرورش تجمع و تحصن اعتراضی برگزار خواهد شد و در صورت عدم اعتنا

۱۹ اردیبهشت به تجمع اعتراضی فراخوان داده اند. این خانواده ها بر آزادی فوری و بدون قید و شرط ۴ معلم زندانی در این شهر به اسامی محسن عمرانی، محمود ملاکی رضا امانی فرو اصغر حاجب و تمامی بازداشت شدگان روز ۱۱ اردیبهشت تاکید کرده اند. در این بیانیه ضمن اشاره به انحطاط هر سال بیشتر نهاد آموزش و پرورش حکومت و فرو غلطیدن آن به درماندگی، فقر، فلاکت و فروپاشی، دستگیری های روز جهانی کارگر مصادف با آغاز هفته معلم را مورد اعتراض قرر داده اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "از جمله این برخوردهای زشت و قرون وسطایی، ضرب و شتم معلمان معترض استان بوشهر و زندانی کردن آنها در ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ مصادف با آغاز هفته معلم بود که موجب جریحه دار شدن

روز یکشنبه ۱۸ اردیبهشت و بنابر فراخوان از پیش اعلام شده، معلمان مریوان در اعتراض به ادامه بازداشت دو همکار خود اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه و دستگیرشدگان روز جهانی کارگر و در اعتراض به هتک حرمت معلمین در روز جهانی کارگر و ادامه سرکوبگری های حکومت، بطور سراسری دست به اعتصاب زده و در مدارس شهر تحصن کردند. معلمان مریوان فردا نوزدهم اردیبهشت نیز در همین رابطه تجمع اعتراضی بر پا خواهند کرد. گفتنی است که در همبستگی با تحصن معلمان در شهر مریوان معلمان ناحیه یک سنندج نیز دست به تحصن حمایتی زدند.

در همین راستا، خانواده های معلمان بازداشت شده در اول ماه مه و اولیای دانش آموزان در شهر بوشهر نیز برای روز



روز ۱۴امه روز جهانی اعتراض برای نجات احمدرضا جلالی

نقشه اعدام وی را به یک رسوایی بزرگ برای جمهوری اسلامی تبدیل خواهیم کرد!
خبرگزاری حکومتی ایسنا به نقل از "منابع آگاه" اطلاع داده است که احمدرضا جلالی پژوهشگر دو تابعیتی تا اواخر اردیبهشت اعدام خواهد شد.
احمد رضا جلالی پژوهشگر ایرانی-سوئدی از سال ۱۳۹۵ یعنی شش سال پیش تاکنون توسط حکومت اسلامی به گروگان گرفته شده و از سال ۱۳۹۶ برای وی حکم اعدام صادر شده است که به تایید دیوان عالی جمهوری اسلامی نیز رسیده است. او بارها اتهاماتی که به وی نسبت داده شده است را قویا رد کرده و گفته است که تحت شکنجه جسمی و روانی، وادار به اعتراف علیه خود شده است. او بیگناه است و باید فوراً آزاد شود.
برای جمهوری اسلامی به گروگان گرفتن احمدرضا جلالی و دیگر زندانیان دو تابعیتی وسیله ای برای گروکشی و باج

بگیری در سیاست خارجی است. اکنون همزمان با پایان یافتن دادگاه حمید نوری در استکهلم و درخواست حبس ابد برای وی بدلیل مشارکت در قتل شمار زیادی از زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ از سوی دادستانی سوئد، جمهوری اسلامی ضرب الاجلی برای اعدام احمدرضا جلالی تعیین کرده است.
دنیا نباید به جمهوری اسلامی اجازه دهد که احمدرضا جلالی را اعدام کند. زندانیان دو تابعیتی از نظر جمهوری اسلامی مهره هایی هستند که از آنها می توان در معامله و یا بعنوان اهرم فشار در سیاست خارجی استفاده کرد. این رفتار بشدت ضد انسانی است و باید بعنوان باج گیری قویا محکوم شود.
ما روز ۱۴ مه را روز جهانی حمایت از احمدرضا جلالی اعلام می کنیم تا به تهدید اعدام وی پاسخ کوبنده ای داده باشیم. ما از همگان می خواهیم که در این روز با برپایی گردهمایی اعتراضی در شهر

جلالی و آزادی وی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.
کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۴ مه ۲۰۲۲
شیوا محبوی - 00447572356661
مینا احدی - 00491775692413
شهلا دانشفر - 00447435562462
#اعدام_نکنید
#اعدام_قتل_عمد_دولتی_است

محل سکونت خود و در گوشه و کنار دنیا از احمدرضا جلالی و خانواده وی حمایت کنند و در همه جا خواهان آزادی بدون قید و شرط وی شوند. ما در همان حال از دولت سوئد و دیگر دولتهای غربی می خواهیم نسبت به نقشه های جمهوری اسلامی برای اعدام احمدرضا جلالی شدیداً اعتراض کنند.
جمهوری اسلامی باید چنان تحت فشار جهانی قرار گیرد تا از اعدام احمدرضا جلالی دست بردارد و او را از زندان آزاد نماید. ما برای لغو حکم اعدام احمدرضا

تجمع معلمان در کرمانشاه در حمایت از بهکاران احضار شده خود به دادگاه

۱۸ اردیبهشت: تحصن سراسری معلمان در ... از صفحه ۹

جریان است. باید وسیعاً به این کارزار پیوست.
جنبش اعتراضی معلمان یک سکوی مهم اعتراضات مردمی است. معلمان قاطعانه مقابل سرکوبگری های حکومت ایستاده اند و باید با تمام قدرت از خواستها و مبارزاتشان حمایت و پشتیبانی کرد. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزات معلمان همه بخش های جامعه بویژه خانواده های دانش آموزان و دانشجویان را به حمایت همه جانبه از خواستها و اعتراضات معلمان و شرکت وسیع در تجمعات اعلام شده آنان فرامیخواند. در سطح بین المللی نیز ما تشکلهای کارگری و معلمان را به حمایت و اعتراض فرا خواهیم خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۸ مه ۲۰۲۲

حکومت و ادامه بازداشت همکارانشان شهر به شهر دست به اعتراض و تجمع میزنند. از اعتراضات یکدیگر اعلام حمایت و پشتیبانی میکنند و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز برای ساعت ده صبح روز ۲۲ اردیبهشت به تجمعات سراسری فراخوان داده است و این تجمعات در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستان مقابل مراکز آموزش و پرورش برگزار خواهد شد. همانگونه که قبلاً اطلاع داده ایم اسماعیل عبدی از معلمان شناخته شده زندانی نیز در اعتراض به تشدید فشارهای امنیتی بر روی معلمان دست به اعتصاب غذا زده است. حکومت اسلامی به نشانه تنبیه تماس تلفنی او را قطع کرده است. جان او اکنون در خطر است و هم اکنون کارزاری بین المللی در حمایت از معلمان زندانی و اسماعیل عبدی و برای آزادی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر در

همکارانشان علی صادقی رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه و خان عزیز اسماعیلی رئیس انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب اعلام داشته و بر آزادی بازداشت شدگان روز جهانی کارگران و پایان دادن به پرونده سازی های امنیتی تاکید کرد.
-روز شنبه ۱۴ اردیبهشت انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، انجمن فرهنگیان هرسین و انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب با تجمع در مقابل دادگستری حمایت خود را از همکارانشان علی صادقی رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه و خان عزیز اسماعیلی رئیس انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب که برای آنها پرونده امنیتی تشکیل شده و احضار شده اند اعلام داشته و بر زادی معلمان زندانی و پایان دادن به احضارها و بازداشت ها تاکید کردند..

- روز هجده اردیبهشت همزمان با تحصن سراسری معلمان در مریوان در بیش از ۵۰ مدرسه معلمان ناحیه دو کرمانشاه در همستگی با دو همکار خود اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه دست به تحصن حمایتی زدند. قبل از آن نیز در هفدهم اردیبهشت انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، انجمن فرهنگیان هرسین و انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب با تجمع در مقابل دادگستری حمایت خود را از

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

اعتراضات معلمان برای آزادی همکاران دربند

بازداشت شدگان اول ماه مه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند



- روز ۱۲ اردیبهشت جمع بزرگی از معلمان در شهر سنندج دست به تجمع زده و با فریاد معلم زندانی آزاد گردد خواستار آزادی فوری همکاران بازداشتی خود شدند که در روز جهانی کارگر دستگیر شده اند.

- در شهر الیگودرز نیز روز ۱۲ اردیبهشت معلمان به مناسبت روز معلم دست به تجمع زدند و خواستار آزادی همکار بازداشتی خود ابراهیم محمودی شدند. جهانی کارگر است.

- معلمان در شهر جلفا به مناسبت روز معلم تجمع کردند و با شعارهای لطیف روزیخواه آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد خواستار آزادی همکاران دربند و بازداشت شدگان روز جهانی کارگر شدند.

- عصر روز ۱۲ اردیبهشت روز معلم جمعی از معلمان و اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان (مریوان) به نشانه همبستگی با همکاران در بند و در اعتراض به دستگیری‌ها با خانواده معلمان همکاران بازداشتی خود اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه، دیدار کردند. و حمایت قاطع خود را از این دو عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان مریوان اعلام نمودند.

- بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز ۱۱ اردیبهشت مسعود فرهیخته یکی از معلمان معترض در استان البرز پس از خروج از منزل ساعت ۷ صبح توسط سپاه استان البرز دستگیر شد و با چشمنبد و دستبند به اطلاعات منتقل گردید و از وی خواسته شد که تعهدی مبنی بر عدم حضور در تجمعات بدهد اما مسعود فرهیخته با مقاومت در برابر این خواسته مامورین امنیتی ایستاد و اعلام کرد که چنین تعهدی نمیدهد و او را نگهدارند. در نهایت او ساعت ۱۵ عصر همانروز آزاد گردید.

- روز ۱۲ اردیبهشت جمعی از معلمان

قیال مبارزات معلمان را ادامه میدهد. بازداشت شدگان اول مه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۲ مه ۲۰۲۲

برگرفته از مدیای اجتماعی

حیات باو، بمبستی با

بازداشت شدگان روز جهانی باید بدون قید و شرط آزاد شوند

بیانیه شورای بازنشستگان ایران

حکومت قبل از اول ماه می با یورش و وحشیانه و شکستن در و پنجره اقدام به بازداشت حبیبی، ابراهیمی، باغانی و بداعی کرد و روز بعد ده ها معلم دیگر در تهران و شهرستانها را بازداشت نمود و جلوی مجلس را با نیروهای امنیتی و نظامی قرق کرد تا مانع تجمع اعتراضی روز جهانی کارگر شود، تا به خیال خود خیابانها را از مردم پس بگیرد و آنها را به کنج خانه ها برده و با خیالی راحت نان و ماکارونی و شکر را هم از سفره خالی مردم برباید. اما اینگونه نشد که میخواستند، بیش از

۴۰ سال است که زندانها روز بروز شلوغتر می شوند و مردم معترض تر، اما تاکی؟؟!! ما بازنشستگان پشت معلمان زندانی هستیم که بخشا مطالبات ما را فریاد زدند. هیچگاه پشت آنها را خالی نمی کنیم. هیچگاه به تفکر و عمل متحد با هم سفره ای هایمان بی توجه نخواهیم شد. منافع مشترکمان اجازه نمی دهد. تا آخر حامی هم بوده و هستیم! رهایشان کنید! #معلم_زندانی_آزادبایدگردد شورای بازنشستگان ایران

بیانیه اتحادیه تشکل های کامیونداران و #رانندگان سراسر ایران

قلب هر انسان شریفی از شنیدن زندانی شدن و اعتصاب غذای، معلم بخاطر کودکان ما و آموزش و پرورش این کشور به درد میاید. میدانیم که در هر کشوری، معلم نماد آگاهی و عشق است. اما متأسفانه در کشور ما، معلم زندانی میشود یعنی به زنجیر کشیدن آگاهی و وجدان بیدار مردم و حالا معلمان دلسوزی که تنها دغدغه شان مطالبه حق و حقوق و آموزش رایگان و ارتقای سطح آموزش و منزلت دانش آموز است، باید در زندانها بسر ببرند و چه دردناک است

که بجای سپاس و تقدیر باید آزار و تهدید و حبس در انتظارشان باشد. ما رانندگان و کامیونداران سراسر ایران زندانی کردن معلمان و فرهنگیان این آب و خاک را محکوم میکنیم و خواستار آزادی هر چه سریعتر آنها هستیم و حمایت خودمان را از خواسته های آنها اعلام میداریم. و خواستار توقف پرونده سازی برای این قشر زحمتکش هستیم.

اگر این عزیزان هر چه زودتر آزاد نشوند ما رانندگان و کامیونداران دست به اعتصاب و تجمع سراسری خواهیم زد.

اتحادیه تشکل های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران ۱۴۰۱/۲/۱۶

پیام سندیکای فرانسوی به کارگران ایران به مناسبت امه ۲۰۲۲

در ۱ مه ۲۰۲۲، وضعیت حکومت نظامی اعلام نشده در تهران و سایر شهرهای بزرگ حاکم شد.

در این روز چندین استان شاهد درگیری بسیار خشن پلیس بوده و ده ها معلم دستگیر شدند. آزادی معلمان زندانی، بیمه درمانی و علیه خصوصی سازی آموزش عمومی از جمله خواسته های معلمان بود.

ما سازمان های سندیکایی فرانسوی بار دگر بر همبستگی خود با قربانیان سرکوب رژیم ایران به ویژه سندیکالیست ها تاکید می ورزیم.

ما این سرکوب های غیرقابل تحمل را به شدت محکوم می کنیم. ما خواستار خواهان لغو همه محکومیت های غیرعادلانه و خلاف آزادی های و حقوق بنیادی هستیم.

فشارهای قضایی علیه کسانی که از حقوق اساسی خود دفاع می کنند و خواستار آزادی سندیکا هستند را محکوم می کنیم. ما برای آزادی بی قید و شرط همه سندکالیست های زندانی تلاش می کنیم و در جهت کمک به پایان دادن به این شرایط غیرقابل قبول، به افشای هر چه بیشتر موارد سرکوب ادامه خواهیم داد.

به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی همبستگی، ما بار دیگر حمایت بی دریغ خود را از شما در نبرد سختی که برای آزادی همه زنان و مردان، برای کرامت زنان و مردان زحمتکش، برای رعایت حقوق بشر به پیش می برید، تجدید می کنیم.

در ۳۰ آوریل ۲۰۲۲، در آستانه روز جهانی کارگر، #رسول_بدایق به همراه #جعفر_ابراهیمی، #محمد_حبیبی و #علی_اکبر_باغانی با خشونت در منازل خود بازداشت شدند.

آن ها همه اعضای انجمن معلمان هستند. آن ها را به مکان های نامعلومی منتقل کردند و کامپیوتر و تلفن آن ها را ضبط کردند.

ما سازمان های سندیکایی فرانسوی س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آ، چندین سال است که مشترکاً از مبارزات شما برای دفاع از حقوق و آزادی هایمان حمایت می کنیم. ما به خوبی واقفیم که شما تحت چه شرایطی این مبارزه را به پیش می برید: سرکوب بسیار شدیدی که توسط مقامات ایرانی اعمال می شود و شرایط بسیار دشوار کار و زندگی برای مردم ایران. حق تشکیل آزادانه اتحادیه های کارگری و عضویت در سازمان هایی که کارگران را نمایندگی کنند و واقعاً مستقل هستند، از آرمان های مشروع و کاملاً به رسمیت شناخته شده در حقوق بین الملل است.

ما از خواسته های شما حمایت می کنیم تا این که سرانجام دولت ایران به این حقوق بین المللی گردن نهد، حقوقی که دولت ایران به عنوان یک عضو سازمان جهانی کار ملزم به رعایت آن ها است!

ما اخراج های ناعادلانه، حبس ها و

همچنین خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه مبارزین زندانی شده به خاطر فعالیت های سندیکایی شان هستیم و نیز آزادی تمامی زندانیان عقیدتی و نویسندگان.

ما همچنین از رژیم ایران می خواهیم که به پیمان های بین المللی که دولت ایران امضا کرده، از جمله حق ایجاد تشکل های مستقل، حق برگزاری تجمعات، حق اعتصاب، و حق قراردادهای جمعی، احترام بگذارد. پاریس ۵ مه ۲۰۲۲

هم نمی رسد و در برابر کار برابر اختلاف فاحشی با مزد کارگران رسمی دارد. بعلاوه کارانه آنها فقط ۸۰۰ هزار تومان تعیین شده ولی کارانه برای پرسنل رسمی ۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. یک خواست فوری کارگران نفت دائمی شدن قرار دادها و کوتاه شدن دست پیمانکاران چپاولگر است.

اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز

- روز ۱۸ اردیبهشت کارگران شرکتی پتروشیمی تبریز در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و قراردادهای برده وار پیمانی مقابل ورودی این پتروشیمی دست به تجمع زدند. مزد این کارگران به ده میلیون

